

## رتبه‌بندی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکتی

سیامک طایفه<sup>۱</sup> محسن دستگیر<sup>\*</sup><sup>۲</sup> فرزین رضایی<sup>۳</sup> سعید علی‌احمدی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۸

### چکیده

بر اساس نظریه نمایندگی و با وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین مؤدیان مالیاتی و دولت، به‌طور طبیعی شرکت‌ها سعی می‌کنند در پرداخت مالیات اجتناب کنند. از سوی دیگر دولت‌ها با توجه به محدودیت‌های موجود در تلاشند با شناسایی مؤدیان مالیاتی پرریسک، مطابق قوانین و مقررات، مالیات حداکثری را وصول کنند و پژوهش‌گران این حوزه نیز به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی هستند. این تحقیق با رویکردی کیفی-کمی و با هدف رتبه‌بندی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. برای انجام تحقیق حاضر، ابتدا با پرسش از ده خبره دانشگاهی و مالیاتی مستقل نظر از هم، ۳۷ عامل کمی مؤثر بر اجتناب مالیاتی در هشت بُعد، که بر اساس گزارش‌های منتشره در خصوص این شرکت‌ها قابل اندازه‌گیری است، شناسایی شد. سپس این عوامل و متغیر وابسته، اندازه‌گیری و با استفاده از تکنیک معادلات ساختاری، اثرباری ابعاد، مورد آزمون قرار گرفت. در انتها براساس ابعاد تایید شده، با استفاده از پرسشنامه مقایسه زوجی توزیع شده بین همان خبرگان و تحلیل سلسله مراتبی، رتبه‌بندی انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل ۷۷ شرکت بورسی بوده که به روش غربالگری انتخاب شدند و دوره زمانی آن، سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۱ در سال ۱۳۹۶ انجام و پرسشنامه‌های رتبه‌بندی نیز در سال ۱۳۹۷ توزیع شد. نتایج تحقیق نشان داد ابعاد تایید شده و رتبه‌بندی آنها به شرح زیر است: عوامل تجاری، عوامل راهبری شرکتی، عوامل مربوط به حسابرس، عوامل مربوط به گزارش‌های مالی، عوامل مربوط به صنعت، ویژگی‌های عمومی، عوامل مربوط به بازار سرمایه و عوامل اجتماعی.

**واژگان کلیدی:** اجتناب مالیاتی شرکتی، مؤدیان پرخطر، اطلاعات عام شرکت‌ها، اطلاعات خاص شرکت‌ها.

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوارسگان)، s.tayefeh@yahoo.com

<sup>۲</sup>استاد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوارسگان)، نویسنده مسئول،

mdastgir@hotmail.com

<sup>۳</sup>دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین farzinrezaei@yahoo.com

<sup>۴</sup>استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوارسگان)، s.aliahmadi@khuisf.ac.ir

## ۱- مقدمه

مالیات، انتقال بخشی از درآمدهای شرکت به دولت و یا بخشی از سود فعالیتهای اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد. یکی از بحث‌های داغ در مورد شرکت‌های سهامی عام سودآور این است که آن‌ها یا مالیات نمی‌پردازند یا مالیات کمی پرداخت می‌کنند. جرقه این بحث با تقلب شرکت‌ها، توسط روزنامه‌ها زده شده بود که ادعا می‌شد شرکت‌های زیادی مالیات به حق پرداخت نمی‌کنند. به عنوان نمونه از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ شرکت انرون مالیات متعلق به خود را صفر اعلام و سود حسابداری را ۲/۳ بیلیون دلار گزارش کرد. به طور مشابه وقتی موسسه حسابرسی اندرسون بابت عدم پاسخگویی به دلیل وجود فاصله بین سود گزارش شده و سود مشمول مالیات مورد سرزنش قرار گرفت؛ ورلدکام به دادگاه احضار شد (دسلندز و لندری، ۲۰۰۷). در ایران نیز اختلاف مالیات ابرازی مؤدیان و مالیات قطعی آنها که در اغلب یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی دیده می‌شود بیانگر تلاش شرکت‌ها برای اجتناب مالیاتی<sup>۱</sup> است. به عنوان مثال بر اساس صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت کنترسازی ایران، مالیات ابرازی این شرکت در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب ۲۸ و ۵۳ میلیارد ریال است در حالیکه مالیات قطعی آن به ترتیب ۴۳ و ۱۰۴ میلیون ریال تعیین شده است. به طور کلی، با وجود ظرفیت‌های بالای مالیاتی در ایران، درآمدهای مالیاتی منبع مناسب و قابل انتکابی برای تامین مالی دولت نیست و در حالیکه با وجود تحريم‌های جهانی لازم است این درآمدها در سطح بالا و به طور مستمر وصول شوند (مجتبهدزاده و همکاران، ۱۳۹۴).

به نظر می‌رسد بحث اجتناب مالیاتی در مورد شرکت‌هایی که مالکیت آن‌ها از مدیریتشان جدا است مطرح (الینگهام و سندمو، ۱۹۷۲) و به دلیل سهم بالای عملکرد آنها در قیاس انفرادی با سایر مؤدیان، دارای اهمیت ویژه‌ای است. در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدھی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدھی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند (دسای و همکاران، ۲۰۰۷). البته هانلون و همکاران (۲۰۱۰) نیز اظهار می‌دارند پدیده اجتناب مالیاتی<sup>۲</sup> می‌تواند ارزشمند باشد و

<sup>1</sup>. tax avoidance

<sup>2</sup>. Tax Avoidance

اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آن‌ها با برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صحیح، تصمیمات اثربخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت افزایش و درنتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (خانی و همکاران، ۱۳۹۳).

موضوع اجتناب مالیاتی مؤدیان و حسابرسی مالیاتی توسط سازمان امور مالیاتی را می‌توان در قالب نظریه بازی‌ها و نمایندگی مطرح کرد که به دلیل عدم تقارن اطلاعات ایجاد می‌شود. در این الگو مؤدی تصور می‌کند که احتمال دارد مالیات بر اساس اطلاعات تکمیل شده و تحولی به سازمان مالیاتی برآورد شود. از سوی دیگر، سازمان مالیاتی می‌داند که درآمد اظهارشده بر اساس منفعت مؤدی بوده و فرض بر این است که مالیات مورد انتظار و جرائم مالیاتی با حسابرسی و هزینه‌های اجرای آن قابل افزایش است. با این وجود، محدودیت سازمان در این میان محدودیت منابع مالی و همچنین زمان است. خروجی منطقی این بازی می‌تواند استراتژی عدم تمکین مالیاتی برای مؤدی و حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک برای سازمان مالیاتی باشد. آنچه واضح است این است که برای سازمان مالیاتی راهبرد حسابرسی جامع برای تمام مؤدیان، هزینه‌های به مراتب بیشتر از سایر روش‌های رسیدگی، همانند حسابرسی بر اساس انتخاب تصادفی و حسابرسی بر اساس مدیریت ریسک در برخواهد داشت (واجا و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین این موضوع جهت رشد و توسعه سیستم‌های مدرن مالیاتی یک استراتژی اساسی را می‌طلبد (واجا و همکاران، ۲۰۱۱). این استراتژی می‌تواند ارائه مدل (های) شناسایی مؤدیان پر ریسک باشد. این تحقیق نیز به دنبال بررسی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی، ارایه مدلی برای تخمین سطح اجتناب مالیاتی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر آن از نظر خبرگان است.

## ۲-مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اجتناب مالیاتی را می‌توان هر معامله یا رویداد تهاجمی یا تدافعی<sup>۱</sup>، با هدف کاهش یا تاخیر پرداخت مالیات توسط شرکت دانست (سیندی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۰۵). در اجتناب مالیاتی، مؤدیان با استفاده از روزنه‌های مختلف قانونی و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدھی مالیاتی خود را کاهش دهند. مؤدیان در برخی موارد، صرفه‌جویی مالیاتی را از طریق فرار مالیاتی انجام می‌دهند. فرار مالیاتی در رابطه با ترتیبات غیرقانونی اتخاذ شده جهت اختفا درآمد یا نادیده گرفتن بدھی مالیاتی به کار می‌رود (بهشتی و رویایی، ۱۳۹۶).

یک جریان عمده در تبیین رفتار اجتناب یا فرار مالیاتی، مدل‌های مبتنی بر اقتصاد نئوکلاسیک مرسوم است تا پدیده عدم تمکین مالیاتی را بر بنیان داده‌های مفروض در اقتصاد متعارف، از قبیل حداکثرسازی سود مورد انتظار و اصل عقلانیت فردی تبیین کند (لاری دشت

<sup>۱</sup>. Aggressive or Passive

بیاض و همکاران، ۱۳۹۵). تضاد بین دولت و مؤیدان، منجر به توجه روزافزون به مقوله مالیات در سطح بین‌المللی و همچنین ایران شده است. برای پاسخ به چنین نیازی در سازمان‌های مالیاتی، امروزه بسیاری از سازمان‌های جهانی و کارشناسان حرفه‌ای بر این باورند که پیشرفته‌های صورت گرفته در بحث محاسبات (استفاده از روش‌های آماری پیشرفته و اقتصادسنجی) و استفاده از روش‌های جدید حسابرسی در دسترس همچون استفاده از حسابرسی تصادفی و حسابرسی مبتنی بر ریسک، عواملی مؤثر در جلوگیری از فرار مالیاتی و سایر موارد عدم تمکین محسوب می‌شود (برزگری خانقاہ و فیض‌پور، ۱۳۹۲). از این‌رو محققان این حوزه ارتباط عوامل متعددی را با اجتناب مالیاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به دنبال شناسایی عوامل موثر بر آن بوده‌اند. در این پژوهش به‌منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار و رتبه‌بندی، از اطلاعات عام و خاص شرکت‌ها بهره گرفته‌شده است.

اطلاعات عام<sup>۱</sup> شرکت‌ها شامل اطلاعاتی است که به ویژگی‌های مختص آنها، مرتبط نیست. از عوامل مرتبط با اطلاعات عام شرکت‌ها، تخصص حسابرس در صنعت است. فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳) اظهار می‌کنند که بیشتر مؤسسات حسابرسی از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش کارکنان و اعضای حرفه‌ای خود در یک صنعت خاص و آموزش افراد حرفه‌ای متخصص در صنعت مربوط به مشتری، تخصص خود را در زمینه‌های مالی و مالیاتی در یک صنعت خاص ارتقا می‌بخشند. رقابتی یا متمرکز بودن صنعت نیز بر سطح اجتناب مالیاتی تأثیر دارد. به دلیل وجود انسجام صنعتی و قدرت در برخی صنایع می‌توان چنین استدلال کرد که گاهی اوقات آن‌ها از اجرای برخی قوانین یا الزامات سرباز می‌زنند. وجود رقابت در بازار مخصوصات و تقليد شرکت‌ها از یکدیگر نیز ممکن است به الگو گرفتن شرکت‌های پیرو از سیاست مالیاتی شرکت رهبر شود (لیبرمن و آسایا، ۲۰۰۶) بنابراین سیاست مالیاتی شرکت رهبر می‌تواند بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اثرگذار باشد. به نقل از دستگیر و همکاران (۱۳۹۳) حوزه کاری مؤیدان در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور به دلیل وجود ساختارها، قوانین و مقررات و سیستم‌های نظارتی متفاوت در وظایف و عملکردها می‌تواند در نحوه رفتار مالیاتی آن‌ها اثرگذار باشد بنابراین نوع صنعت نیز می‌تواند از عوامل مؤثر باشد.

اطلاعات خاص<sup>۲</sup> شرکت‌ها شامل اطلاعاتی است که به ویژگی‌های آنها از جمله مبالغ مندرج در گزارش‌های مالی، مرتبط است. میزان بدھی‌های دارای کارمزد که در صورت‌های مالی گزارش می‌شود به دلیل ایجاد صرفه‌جویی مالیاتی، انگیزه شرکت‌ها را در استفاده از آن بالا می‌برد بنابراین می‌توان گفت شرکت‌های دارای اهرم مالی بالا به دنبال استفاده از صرفه‌جویی و اجتناب مالیاتی

<sup>1</sup>. Public information

<sup>2</sup>. Private Information

هستند. درصد سود تقسیمی نیز می‌تواند از عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی باشد چرا که با افزایش درصد یا بازده سود تقسیمی، شرکت با کمیاب منابع مالی مواجه شده و ممکن است به فکر جبران آن از طریق پرداخت نکردن یا لاقل دیر پرداخت کردن مالیات باشد (خدامی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳). نتایج تحقیق روس و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داد شرکت‌هایی که در سیاست تقسیم سود، بستانکاری مالیاتی را در نظر می‌گیرند کمتر به دنبال اجتناب مالیاتی هستند. در خصوص سطح نگهداشت وجه نقد، شبیانی تدرجی و همکاران (۱۳۹۷) چنین استدلال می‌کنند که شرکت‌ها برای تامین مالی از طریق اجتناب مالیاتی، می‌توانند از سایر منابع نظیر صدور سهام، صدور اوراق بدھی، عدم پرداخت سود سهام و کاهش هزینه‌های اختیاری استفاده کنند، اما تکیه شرکت‌ها به اجتناب از مالیات یا سایر ابزارها به منظور ایجاد وجه نقد، به هزینه نسبی هر یک از روش‌ها بستگی دارد. انتظار بر این است که اجتناب از مالیات به عنوان ابزاری برای ایجاد وجه نقد، هزینه‌های نسبتاً کمتری داشته باشد. بنابراین سطح نگهداشت وجه نقد بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد. در خصوص تأثیرگذاری عدم تقارن اطلاعاتی بر سطح اجتناب مالیاتی می‌توان از دیدگاه تئوری نمایندگی چنین استدلال کرد که محیط غیرشفاف، به مدیریت اجازه می‌دهد تا با پنهان سازی، در راستای مدیریت مالیاتی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق بهمنظور جلوگیری از جرائم مالیاتی تأثیر بگذارد چرا که اجتناب مالیاتی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق بهمنظور جلوگیری از جرائم احتمالی متعاقب آن است بنابراین ممکن است به تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی و یا ارائه مجدد آن‌ها شود. بنابراین بهموقع بودن و قابلیت اتکا که نمادی از کیفیت افشا هستند می‌تواند بیانگر این باشد که شرکت به دنبال اجتناب مالیاتی است یا خیر.

همچنین فاصله غیرمعمول بین سود مشمول مالیات و اختلاف دفتری مالیات ممکن است بیانگر دست کاری صورت‌های مالی، رفتار مالیاتی تهاجمی، سود گزارش شده ناپایدار و در مجموع کیفیت پایین سود باشد (دلندز و لندری، ۲۰۰۷) از این‌رو می‌توان گفت شرکت‌های با اجتناب مالیاتی بالاتر، کیفیت سود پایین‌تری دارند. دسایی و دارماپala (۲۰۰۹) به دیدگاهی اشاره دارند که تأکید می‌کند اجتناب از مالیات وابسته به اقداماتی است که می‌تواند با فعالیت‌های انحرافی از جمله دست‌کاری سود همراه باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۳) لذا مدیریت سود نیز از عوامل مؤثر به شمار می‌آید. همچنین هموارسازی سود مشمول مالیات به مدیران این اجازه را می‌دهد تا سود مشمول مالیات آتی را پیش‌بینی کنند که عدم اطمینان در مورد هزینه‌ها را کاهش و منافع مرتبط با فعالیت برنامه‌ریزی مالیاتی را افزایش می‌دهد (اسمعیلی و همکاران، ۱۳۹۳). واتس (۲۰۰۳) نیز چنین استدلال می‌کند شرکت‌ها سعی دارند به گونه‌ای رفتار نمایند و حسابداری محافظه‌کارانه به کار گیرند که در هزینه مالیات خود صرفه‌جویی نمایند بنابراین محافظه‌کاری غیرشرطی که مشروط به سایر عوامل نیست بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. عامل

دیگر، نسبت‌های مالی است. بدین ترتیب که نحوه محاسبه مالیات در ایران با تکیه بر اطلاعات مربوط به محاسبه سود یعنی درآمدها و هزینه‌هاست. بنابراین می‌توان از نسبت‌های مالی که به اقلام صورت سود و زیان مرتبط است به عنوان یک نماینده از اجتناب مالیاتی نام برد.

نتایج پژوهش‌های تجربی صورت گرفته متعددی از جمله اسعدی (۱۳۹۵)، شوروزی و همکاران (۱۳۹۴) و خدادادی و تاکر (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که اصول راهبری خوب شرکت‌ها منجر به عملکرد بهتر شرکت می‌شود. یکی از عناصری که مرتبط با عملکرد شرکت‌ها می‌باشد مدیریت مالیات است. چنانچه مدیریت بتواند نرخ مؤثر مالیات را در بلندمدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد. از دیدگاه مد و دونالدسون (۱۹۹۸)، هیئت‌مدیرهای مستقل‌تر در یک موقعیت بهتر برای سوق دادن منابع به سمت مدیریت مالیات<sup>۱</sup> هستند، زیرا آن‌ها به دلیل استقلالشان یک بینش وسیع‌تر از شرکت و عملکرد کلی آن دارند. بنابراین ترکیب هیئت‌مدیره بر گستره اجتناب مالیاتی مؤثر است.

توانایی مدیریت نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. برای نمونه آقایی و همکاران (۱۳۹۷) به نقل از کاستر و همکاران (۲۰۱۶) اظهار می‌دارند مدیران توانند به سه دلیل بیشتر از سایر مدیران در گیر اجتناب مالیاتی هستند: اول اینکه این مدیران بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی تطبیق دهند دوم اینکه در بحث کارایی عملیات بجای کاهش هزینه‌هایی مثل دستمزد، از صرفه‌جویی مالیاتی استفاده می‌کنند و سوم اینکه به این صرفه‌جویی به عنوان یک منبع تامین مالی برای پیاده‌سازی استراتژیهای خود بپردازند. تین و همکاران (۲۰۱۸) نیز در تحقیقی باعنوان "بیش اطمینانی و اجتناب مالیاتی: نقش مقابله هیات مدیره و مدیرعامل" در کشور امریکا طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ به بررسی این موضوع پرداخت که آیا بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکتی تاثیر دارد یا خیر؟ نتایج تحقیق آنها نشان داد زمانیکه هیات مدیره و مدیرعامل هردو دارای بیش اطمینانی هستند اجتناب مالیاتی بیشتری به کار گرفته می‌شود. پی‌های و همکاران (۲۰۱۴) اظهار می‌کنند اعضای متخصص (حسابداری یا سایر رشته‌های مرتبط) کمیته حسابرسی قادر هستند استراتژی تجاری شرکت را ارزیابی و به‌طور مؤثری اجتناب مالیاتی شرکت را در زمینه استراتژی تجاری مربوطه تحت کنترل داشته باشند. چن و همکاران (۲۰۱۰) سطح اجتناب از مالیات شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را باهم مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای خود از پرداخت مالیات،

<sup>1</sup>. tax management

کمتر اجتناب می‌کنند (مشايخی و صبری، ۱۳۹۳). مینیک و نوگا (۲۰۱۰) نیز بیان می‌کنند وقتی که مدیرعامل در ترکیب هیئت‌مدیره نیز باشد تهدید کمتری برای از دست دادن کار آن وجود دارد و این دوگانگی وظایف باعث می‌شود که مدیر انگیزه کمتری برای بهبود عملکرد داشته باشد و اثر منفی بر عملکرد شرکت می‌گذارد بنابراین اقدامی در جهت مدیریت مالیات و افزایش عملکرد از سوی مدیرعامل صورت نمی‌گیرد. سطح تحصیلات هیئت‌مدیره نیز بر سطح اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است. ریچاردسون (۲۰۰۶) در پژوهشی نتیجه‌گیری می‌نماید که با کاهش پیچیدگی قوانین و مقررات مالیاتی، افزایش سطح تحصیلات افراد و بهبود منابع درآمدی، میزان اجتناب مالیاتی در کشورها کاهش خواهد یافت (هادیان و تحولی، ۱۳۹۳). از دیگر عوامل، مالکیت دولتی است. به عنوان نمونه گول (۲۰۱۰) دریافت شرکت‌هایی که دارای وابستگی سیاسی می‌باشند بر برخی از مصوبات دولت در راستای منافع خود اعمال نفوذ می‌کنند. از سوی دیگر می‌توان چنین استدلال کرد که مطابق فرضیه هزینه سیاسی، شرکت‌های دولتی بیشتر مورد توجه بوده و امکان اجتناب مالیاتی برای آنها محدودتر می‌شود. وجود مالکان نهادی نیز، از طریق نقش نظارتی و توانایی آنها و همچنین انگیزه آنها برای جلوگیری از خروج وجه نقد یا ایجاد بدھی ناشی از مالیات موثر در اجتناب مالیاتی است.

با اینکه در رویکرد قانونی، اجتناب مالیاتی، مساله قابل پذیرشی است؛ در رویکرد اجتماعی و از نظر آحاد مردم، پرداخت نکردن مالیات به هرشكلي، امر پسندیده‌ای به شمار نمی‌رود و منجر به کاهش حسن شهرت مؤدیان می‌شود بنابراین به نظر می‌رسد شرکت‌های مشهور به جهت داشتن انگیزه مبنی بر از دست ندادن شهرت و جایگاه اجتماعی خود بین عموم مردم و همچنین مسؤولیت اجتماعی، سعی در پرهیز از اجتناب مالیاتی دارند. بهطور کلی، از آنجا که تمکین مالیاتی شرکتی (اجتناب مالیاتی شرکت) یک رفتار اجتماعی مسئولانه (غیر مسئولانه) است می‌توان گفت هرچه شرکتها در فعالیتهای مرتبط با مسؤولیت اجتماعی بیشتر مشارکت کنند تمکین مالیاتی آنها بیشتر است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۶).

بر اساس دیدگاه ارزش‌آفرینی، فعالان بازار سرمایه برای فعالیت‌های اجتناب از مالیات ارزش قایلند و آن را فعالیتی ارزش‌آفرین می‌دانند (مشايخی و علی‌بنah، ۱۳۹۳). بنابراین می‌توان استدلال کرد شرکت‌های دارای ارزش سهام بالاتر احتمالاً اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. هزینه سرمایه نیز می‌تواند از عوامل مؤثر باشد زیرا افزایش آن می‌تواند به افزایش خروج وجه نقد شود و مدیریت برای جبران آن ممکن است صرفه‌جویی مالیاتی را به عنوان یکی از سیاست‌های خود انتخاب کند. همچنین شرکتی که در دوران رشد به سر می‌برد احتمالاً سرمایه‌گذاری‌های بیشتری انجام می‌دهد که این خود به هزینه‌های عملیاتی بیشتر منجر می‌شود و نرخ مؤثر مالیاتی

را کاهش می‌دهد. کیم و لیمپا فایوم (۱۹۹۸) نیز معتقدند شرکت‌هایی که دارای طرح‌های سرمایه-گذاری متعدد هستند گاهی اوقات قوانین و فرآیندهای مالیاتی پیچیده‌ای بر آن‌ها مترتب است و سبب پیچیدگی محاسبه مالیات شرکت می‌شود.

عوامل مربوط به حسابرس نیز بر اجتناب مالیاتی مؤثر هستند. لین و همکاران (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر با توجه به حسابرسی‌های دقیق‌تر صورت گرفته مانع از مدیریت مالیات توسط شرکت می‌شوند. همچنین می‌توان چنین استدلال کرد که حسابرسان در سال‌های میانی دوره تصدی نسبت به سال‌های اول و آخر نسبت به صاحب‌کاران خود نرمش کمتری دارند؛ در سال اول آن‌ها می‌خواهند ثابت کنند که با حسابرس قبلی متفاوت هستند و در سال چهارم نیز چون دوره تصدی آن‌ها به اتمام رسیده و قرارداد جدیدی منعقد نخواهد شد نهایت دقت حرفه‌ای خود را به کار خواهند گرفت لذا دوره تصدی حسابرس بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. دونوهو و کنچل (۲۰۱۳) اظهار می‌کنند که انتظار بر این است حسابرسان در شرکت‌هایی که رفتارهای مالیاتی مخاطره‌آمیز دارند بیشتر در معرض دعاوی حقوقی قرار گیرند و حسابرسان برای ایجاد سپر دفاعی در مقابل این دعاوی احتمالی، گزارش خود را سخت‌گیرانه‌تر ارائه می‌کنند بنابراین می‌توان گفت شرکت‌هایی که گزارش تعديل شده دارند بیشتر به دنبال اجتناب مالیاتی هستند.

به طور طبیعی شرکت‌ها به منظور دستیابی به مزیت رقابتی پایدار از استراتژی‌های تجاری در جهت کاهش عدم اطمینان استفاده می‌کنند. از آنجایی که اجتناب مالیاتی نیز با ریسک همراه است بنابراین می‌توان گفت اجتناب مالیاتی با عوامل تجاری در ارتباط است. رضایی و شرافتی (۲۰۱۵) به نقل از کتز و همکاران (۲۰۱۳) عنوان می‌کنند شرکت‌های پیشرو در هر صنعت می‌توانند فرصت‌های بیشتری برای اجتناب مالیاتی و انتقال وجوده حاصل از این سیاست به پروژه‌های سودآور آتی نسبت به پیروان در صنعت، داشته باشند. بنابراین تمرکز شرکت در صنعت از عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی به شمار می‌رود. پراکندگی مشتریان و فروشنده‌گان توان برنامه‌ریزی شرکت به منظور گزارش هدفمند خریدها و فروش‌ها را کاهش می‌دهد و افزایش توان ممیز در کشف واقیت در استفاده از سامانه خدمات اطلاع‌رسانی سازمان امور مالیاتی را به دنبال دارد. شرکت‌هایی که به حداقل کردن هزینه‌ها علاقه‌مندند (رهبر در هزینه)، از افزایش صرفه‌جویی در مالیات که به دلیل فعالیت‌های اجتناب مالیاتی رخ می‌دهد، بهره می‌برند، از سوی دیگر شرکت‌هایی که به دنبال فرصت‌های جدید هستند (متمازی ساز) این امکان وجود دارد که این فرهنگ تهاجمی، سطح اجتناب مالیاتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (هیگینز و همکاران، ۲۰۱۱). زیمرمن (۱۹۸۳) نیز بیان می‌کند از آنجا که موجودی کالای پایان دوره دارای تأثیر مستقیمی بر سود است این انتظار می‌رود که شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاری زیاد در موجودی کالا دارای نرخ مؤثر

مالیاتی بیشتری باشند. همچنین این امکان وجود دارد که شرکت‌ها از طریق ایجاد شرکت‌های واپسیه در مناطق آزاد تجاری و معامله با آن‌ها یا معامله با اشخاص حقیقی نظیر اعضای هیئت‌مدیره و استفاده از روزنامه‌های کتمان عملیات این اشخاص، جهت اجتناب مالیاتی استفاده کنند (کوان و همکاران، ۲۰۱۰ و پارک، ۲۰۱۸).

یوگوم سان (۲۰۱۴) نیز به این نتیجه رسید که اندازه شرکت بر اجتناب مالیاتی اثرگذار است. می‌توان چنین استدلال کرد که شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل ارتباطات قوی‌تر و داشتن مدیران قوی‌تر بهتر می‌توانند از قوانین و دستورالعمل‌های مربوطه بهره بگیرند. دستگیر و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی چنین استدلال می‌کنند عمر فعالیت شرکت به دلیل تجارب کسب شده در نوع رفتار مالیاتی و عمل به تعهدات، می‌تواند بر ریسک وی از دیدگاه سازمان امور مالیاتی مؤثر باشد.

برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی را می‌توان به صورت جدول شماره (۱) خلاصه کرد:

جدول شماره (۱): برخی از تحقیقات انجام شده در خصوص عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی

نام عامل	تحقیقات داخلی	تحقیقات خارجی
صنعت	دستگیر و همکاران (۱۳۹۳) - خانی و همکاران (۱۳۹۳)	لیبرمن و آسپا (۲۰۰۶) - فرگوسن و همکاران (۲۰۰۳)
گزارشگری مالی	رحمانی و همکاران (۲۰۱۷) - فروغی و محمدی (۱۳۹۲)	روس و همکاران (۲۰۱۷) - دالیوال و همکاران (۲۰۱۱)
راهبری شرکتی	آقایی و همکاران (۱۳۹۷) - مشایخی و صبری (۱۳۹۳)	تین و همکاران (۲۰۱۸) - پی‌های و همکاران (۲۰۱۴)
اجتماعی	(دارابی و همکاران (۱۳۹۶) - سیاسی و همکاران (۱۳۹۶))	واتسون (۲۰۱۵) - کمبل و هالیلود (۲۰۱۶)
بازار سرمایه	مشایخی و علی‌پناه (۱۳۹۳)	کوک و همکاران (۲۰۱۷)
حسابرس	خواجه‌ی و کیامهر (۱۳۹۴)	دونهو و کنچل (۲۰۱۳) - لین و همکاران (۲۰۰۹)
تجاری	دیانتی و همکاران (۱۳۹۴) - رضایی و شرافتی (۲۰۱۵)	هیگینز و همکاران (۲۰۱۱) - کوان و همکاران (۲۰۱۰)
عمومی	دستگیر و همکاران (۱۳۹۳)	یوگوم سان (۲۰۱۴)

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چه عواملی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیرگذار است و میزان اثرگذاری آنها چقدر است؟

### ۳-فرضیه‌های پژوهش

با توجه به موارد گفته شده، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر است:

فرضیه ۱: عوامل مربوط به صنعت بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.

فرضیه ۲: عوامل مربوط به گزارش‌های مالی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.

فرضیه ۳: عوامل راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.

فرضیه ۴: عوامل اجتماعی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.

فرضیه ۵: عوامل مربوط به بازار سرمایه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.

فرضیه ۶: عوامل مربوط به حسابرس بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.

فرضیه ۷: عوامل تجاری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.

فرضیه ۸: ویژگی‌های عمومی شرکت بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.

### ۴-روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر فرایند اجرا (نوع داده) یک پژوهش کمی-کیفی، از منظر نتیجه اجرا یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از منظر بعد زمانی، یک پژوهش طولی (پس‌رویدادی) است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای صورت گرفته است. این تحقیق به دنبال علت یابی و ارایه یک الگوی مفهومی جدید نیست بلکه یک تحقیق توصیفی-همبستگی است و با آزمون یکپارچه اثرباری عوامل مختلف بر اجتناب مالیاتی به دنبال همگرایی این اثرباری است. برای انجام این پژوهش گام‌های ذیل برداشته شد:

گام اول: با مصاحبه از ده خبره دانشگاهی و مالیاتی مستقل نظر از هم، ۳۷ عامل کمی مؤثر بر اجتناب مالیاتی در هشت بُعد، که بر اساس گزارشات منتشره در خصوص این شرکت‌ها قابل اندازه‌گیری است، شناسایی شد. این عوامل و ابعاد آنها که برای آزمون فرضیه‌های تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند به شرح جدول (۲) است.

گام دوم: متغیر وابسته به شش روش، به شرح جدول شماره (۴) و متغیرهای مستقل به شرح جدول شماره (۵) اندازه‌گیری شد.

گام سوم: با رویکرد معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار اسمارت پی‌ال اس<sup>۱</sup>، تاثیر عوامل و ابعاد آنها بر اجتناب مالیاتی آزمون شد. با توجه به اینکه متغیر وابسته به شش روش مختلف اندازه‌گیری شده بود این اثرباری، شش بار به صورت جداگانه مورد آزمون قرار

<sup>1</sup>. Smart PLS

گرفت. مدلی که شاخص نیکویی برازش<sup>۱</sup> آن بالاتر بود به عنوان مدل تحقیق انتخاب گردیده و ابعاد تایید شده آن مدل، ملاک نتیجه‌گیری قرار گرفت.

گام چهارم: پرسشنامه‌ای برای مقایسه زوجی ابعاد تایید شده موثر بر اجتناب مالیاتی تهیه گردید و بین خبرگان گام اول توزیع شد. با استفاده از نتایج پرسشنامه‌های گردآوری شده و روش تحلیل سلسله مراتبی با نرمافزار اکسپرت چویس<sup>۲</sup>، ابعاد موثر، رتبه‌بندی شدند.

جدول -۲ - عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی

نام عوامل	تعداد	نام متغیرها
صنعت	۴	تمرکز صنعت، نوع صنعت، تخصص حسابرس در صنعت و سیاست مالیاتی شرکت رهبر
گزارشگری مالی	۱۰	کیفیت سود، هموارسازی سود، درصد سود تقسیمی، مدیریت سود، محافظه‌کاری غیرشرطی، نسبت‌های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت افشا، اهرم مالی و سطح نگهداشت وجه نقد
راهبری شرکتی	۸	وجود متخصصین مالی در ترکیب هیات مدیره، سطح تحصیلات هیات مدیره، ترکیب هیات مدیره، مالکیت نهادی، دوگانگی وظایف مدیرعامل، خانوادگی نبودن شرکت، توانایی مدیریت و مالکیت دولتی
اجتماعی	۲	حسن شهرت مالیاتی و مسوولیت‌های اجتماعی
بازار سرمایه	۳	ارزش شرکت، هزینه سرمایه و فرصت رشد
حسابرس	۳	نوع اظهارنظر حسابرس، اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس
تجاری	۵	راهبرد تجاری شرکت، تمرکز مشتری، معامله با اشخاص وابسته، سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و تمرکز شرکت
ویژگی‌های عمومی	۲	عمر شرکت و اندازه شرکت
جمع	۳۷	

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش با توجه به جدول (۳) انتخاب شده است.

<sup>1</sup>. Goodness of Fit (GOF)

<sup>2</sup>. Expert Choice

### جدول ۳-جامعه آماری تحقیق

تعداد شرکت	شرح
۳۲۵	جامعه آماری در پایان سال ۱۳۹۵
(۶۶)	شرکت‌هایی که جز شرکت‌های واسطه‌گری مالی و بانک‌ها می‌باشند.
(۷۷)	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها طی پژوهش منتهی به پایان اسفند نمی‌باشند.
(۵۱)	شرکت‌هایی که بیش از شش ماه وقفه معاملاتی داشته‌اند.
(۱۰)	شرکت‌هایی که داده‌های آنها برای متغیرهای پژوهش در دسترس نیست.
(۴۴)	شرکت‌هایی که حداقل در طی یکی از دوره‌های تحقیق زیان ده بوده‌اند.
۷۷	نمونه

#### متغیر وابسته

در این پژوهش، روش‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی به شرح جدول (۴) است.

#### جدول ۴- روش‌های اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی (رضایی و شرافتی، ۲۰۱۵)

نام متغیر	نحوه محاسبه	توضیحات
Y <sub>۱</sub>	اجتناب مالیاتی غیرعادی مدل دسای و دارماپلا (۲۰۰۹)	-
Y <sub>۲</sub>	اجتناب تعهدی اختلاف دائمی مالیاتی مالیاتی ابرازی	-
Y <sub>۳</sub>	اجتناب تعهدی اختلاف نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت تعهدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت تعهدی صنعت	نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی بلندمدت حاصل تقسیم مالیات بر درآمد طی سه سال بر سود و زیان قبل از مالیات طی همان دوره است.
Y <sub>۴</sub>	اجتناب تعهدی مالیاتی اختلاف نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی صنعت	نرخ مؤثر مالیاتی تعهدی حاصل تقسیم مالیات بر درآمد بر سود و زیان قبل از مالیات است.
Y <sub>۵</sub>	اجتناب نقدی مالیاتی اختلاف نرخ مؤثر مالیاتی نقدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی نقدی صنعت	نرخ مؤثر مالیاتی نقدی حاصل تقسیم نقد پرداختی بابت مالیات بر سود و زیان قبل از مالیات است.
Y <sub>۶</sub>	اجتناب نقدی مالیاتی اختلاف نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت نقدی شرکت و میانگین نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت نقدی صنعت	نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت حاصل تقسیم نقد پرداختی بابت مالیات طی سه سال بر سود و زیان قبل از مالیات طی همان دوره است.

اجتناب مالیاتی غیرعادی (Y<sub>1</sub>): مقدار باقیمانده رگرسیون مدل (۱) به شکل غلتان و برای پنج سال با شرکت‌های هم‌صنعت یک برآورد از اجتناب مالیاتی غیرعادی است (دسای و دارماپلا، :۲۰۰۹)

$$PBTD_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TACC_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در مدل (۱)،  $PBTD_{i,t}$  بیانگر اختلاف دائمی مالیات و  $TACC_{i,t}$  کل اقلام تعهدی است و با استفاده از روابط (۱) و (۲) محاسبه می‌شود:

$$PBTD_{i,t} = \left| \frac{TAXDIFF_{i,t}}{TA_{i,t}} \right| \quad (1)$$

$$TACC_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} - \Delta CASH_{i,t} + \Delta STD_{i,t} - \Delta DEP_{i,t} \quad (2)$$

در روابط (۱) و (۲) مالیات تشخیصی منهای ابرازی،  $TA_{i,t}$  جمع کل دارایی‌ها،  $\Delta CA_{i,t}$  تغییر در دارایی‌های جاری،  $\Delta CL_{i,t}$  تغییر در بدھی‌های جاری،  $CASH_{i,t}$  تغییر در وجه نقد،  $\Delta STD_{i,t}$  تغییر سهم جاری بدھی‌های بلندمدت و  $\Delta DEP_{i,t}$  هزینه استهلاک شرکت  $i$  در سال  $t$  است.

### متغیرهای مستقل

در این پژوهش، روش‌های اندازه‌گیری متغیرهای مستقل به شرح جدول (۵) است.

جدول ۵-روش‌های اندازه‌گیری متغیرهای مستقل

عنوان	نام متغیر	شیوه اندازه‌گیری
اعلانات عام شرکتها	تخصص حسابرس در صنعت	مدل پالم رز (۱۹۸۶)
اعلانات خارج شرکتها	تمرکز صنعت	شاخص هرفیندال-هیرشمون
اعلانات عام شرکتها	سیاست مالیاتی شرکت رهبر در هر صنعت	تفاوت مالیات تشخیصی و پرداختی نسبت به شرکت رهبر
اعلانات خارج شرکتها	نوع صنعت	انحراف معیار پنج ساله اختلاف دائمی مالیات شرکت‌ها نسبت به میانگین صنعت
اعلانات خارج شرکتها	اهرم مالی	تقسیم بدھی‌های بهره‌دار بر جمع دارایی‌ها
اعلانات خارج شرکتها	بازده سود تقسیمی	تقسیم نسبت سود تقسیمی به فروش خالص
اعلانات خارج شرکتها	سطح نگهداری و چه نقد	مدل اوپلر و همکاران (۱۹۹۹)
اعلانات خارج شرکتها	کیفیت افشا	معکوس رتبه کیفیت افشا شرکت‌ها از نظر بورس اوراق بهادر تهران
اعلانات خارج شرکتها	کیفیت سود	مدل بن هسین بائو (۲۰۰۴)
اعلانات خارج شرکتها	عدم تقارن اطلاعاتی	مدل ونکاتش و جیانگ (۱۹۸۶)
اعلانات خارج شرکتها	مدیریت سود	مدل جونز (۱۹۹۱)
اعلانات خارج شرکتها	محافظه‌کاری غیرشرطی	مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰)

<p>به ازای هر نسبت مالی، سال-شرکتهای دارای عددی بالاتر از میانگین صنعت عدد یک و پایین‌تر از آن عدد صفر اختصاص داده شد. برای هرسال-شرکت اگر تعداد یکهای منظور شده، بیشتر بود به آن عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر اختصاص داده شد. این نسبت‌ها در ادامه معرفی شده است.</p> <p><b>هموارسازی سود</b></p> <p>مدل دیجو و همکاران (۲۰۱۰)</p> <p>درصد افراد غیر موظف در هیئت‌مدیره</p> <p><b>توانایی مدیریت</b></p> <p>مدل دموجیان و همکاران (۲۰۱۳)</p> <p>عدم تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره</p> <p>عدد صفر در صورت وجود تحصیل کرده (گان) رشته‌های حسابداری، مالی، مدیریت یا اقتصاد در ترکیب هیئت‌مدیره و یک در غیر این صورت.</p> <p>خانوادگی نبودن</p> <p>عدد صفر در صورت خانوادگی بودن و یک در غیر این صورت.</p> <p>عدم عضویت مدیر عامل در هیأت مدیره</p> <p>توضیح تخصیلات</p> <p>داشتن مدرک فوق لیسانس و بالاتر عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک</p> <p>مالکیت دولتی</p> <p>شرکت‌های دولتی متغیر مجازی یک و برای غیردولتی عدد صفر</p> <p>مالکیت نهادی</p> <p>درصد مالکیت سهامداران نهادی</p> <p>نداشتن حسن شهرت مالیاتی و یک برای غیره</p> <p>مسئولیت‌پذیری اجتماعی</p> <p>روش تحلیل پوششی داده‌ها</p> <p>ارزش شرکت</p> <p>هزینه سرمایه</p> <p>فرصت رشد</p> <p>اندازه حسابرس</p> <p>دوره تصدی حسابرس</p> <p>نوع اظهارنظر حسابرس</p> <p>تمرکز شرکت در صنعت</p> <p>تمرکز مشتری</p> <p>راهبرد تجاری</p>	<p>نسبت‌های مالی</p> <p>هر یک</p>
---	--

برای بیشتر بودن موجودی پایان دوره از اول دوره صفر و در غیر این صورت یک	سرمایه‌گذاری در موجودی کالا		
مبلغ معاملات با اشخاص وابسته شرکت تقسیم‌بازاری - های آن	معامله با اشخاص وابسته		
لگاریتم طبیعی متوسط دارایی‌ها و فروش	اندازه شرکت	و نیم و نیم و نیم	
لگاریتم طبیعی عمر فعالیت شرکت از تاریخ پرونده بهره- برداری	عمر شرکت		

تخصص حسابرس در صنعت: بر اساس مدل پالم رز (۱۹۸۶) حسابرسی متخصص تلقی می‌شود که سهم بازارش (که از حاصل تقسیم دارایی‌های صاحب‌کاران حسابرس در یک صنعت بر دارایی‌های کل صاحب‌کاران صنعت به دست می‌آید) از حاصل ضرب معکوس تعداد شرکت‌های فعال در صنعت در عدد نیم بیشتر باشد. در این پژوهش برای شرکت‌های متخصص عدد یک و برای بقیه صفر لحاظ شده است.

تمرکز صنعت: شاخص هرفیندال-هیرشممن برای اندازه‌گیری تمرکز صنعت از حاصل جمع توان دوم سهم بازار کلیه صنایع فعال در بازار به شرح مدل (۲) به دست می‌آید:

$$\text{مدل (2)} \quad HI = \left( \sum_{i=1}^n \frac{x_i}{x} \right)^2$$

در مدل (۲)، تعداد صنایع موجود در بازار ( $n$ )، اندازه فروش بازار ( $X$ ) و سهم فروش صنایع در بازار ( $X_i$ ) است.

سیاست مالیاتی شرکت رهبر: شرکتی که مالیات پرداختی منهای تشخیصی آن در یک سال مشخص بیشتر از سایر شرکت‌های آن صنعت-سال باشد شرکت رهبر است (رضایی و زارع، ۲۰۱۴).

سطح نگهداشت وجه نقد: متغیر سطح نگهداشت وجه نقد مطابق مدل اوپلر و همکاران (۱۹۹۹) به وسیله لگاریتم طبیعی نسبت وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به کل دارایی‌ها غیر از وجه نقد و سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت ارزیابی می‌شود (فروغی و محمدی، ۱۳۹۲). در این پژوهش معکوس سطح نگهداشت وجه نقد این مدل، مورد استفاده قرار گرفته است.

کیفیت سود: برای تعیین شرکت‌های باکیفیت سود بالا یا پایین به تبعیت از بن هسین بائو (۲۰۰۴) می‌توان از سه شاخص استفاده کرد: ۱. محتوای نقدی سودها (نسبت جریان نقد عملیاتی هر سهم به سود هر سهم) بیش از میانگین این نسبت در کل نمونه باشد، ۲. جریان نقد هر سهم حاصل از فعالیت‌های عملیاتی مثبت باشد و ۳. سود هر سهم آن مثبت باشد (سود هر سهم قبل از اقلام غیرمتربقه مثبت باشد); اگر شرکتی هر سه ویژگی مذکور را داشته باشد، شرکتی است که سودهای آن باکیفیت است و اگر شرکتی حتی یکی از سه شرط فوق را نداشته باشد، سودهای

آن دارای کیفیت پایین است. در این پژوهش برای شرکت‌های دارای کیفیت پایین سود عدد یک و شرکت‌های دارای کیفیت بالای سود عدد صفر لحاظ شده است.

(۵-۶). برای ارزیابی عدم تقارن اطلاعاتی به تبعیت از ونکاتش و چیانگ (۱۹۸۶) از دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به شرح مدل (۳) استفاده شده است.

$$\text{مدل (۳)} \quad \text{Spread}_{i,t} = \frac{(AP - BP) * 100}{(AP + BP)/2}$$

در مدل (۳)  $\text{Spread}_{i,t}$  تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام،  $AP$  میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام و  $BP$  میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام است. هرچه دامنه فوق بالاتر باشد عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است.

مدیریت سود: در پژوهش حاضر از مدل جونز (۱۹۹۰) برای ارزیابی مدیریت سود استفاده شده است. بدین منظور ابتدا کل اقلام تعهدی ( $TACC_{i,t}$ ) مطابق رابطه (۲) محاسبه شده، سپس رگرسیون مدل (۴) بهصورت غلتان پنج ساله و در سطح سال-صنعت اعمال شده است.

$$\text{مدل (۴)} \quad \frac{1}{TA_{i,t-1}} TACC_{i,t} = \alpha_1 \left( \frac{1}{TA_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left( \frac{1}{TA_{i,t-1}} \Delta REV_{i,t} \right) + \alpha_3 \left( \frac{1}{TA_{i,t-1}} PPE_{i,t} \right) + \epsilon_{i,t}$$

در مدل (۴)  $\Delta REV_{i,t}$  تغییر در درآمد فروش،  $PPE_{i,t}$  ناچالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات،  $TA_{i,t-1}$  کل ارزش دفتری دارایی‌ها و مقادیر باقیمانده رگرسیون مدل (۴) بیانگر مدیریت سود است.

**محافظه کاری غیرشرطی:** سطح محافظه کاری بر اساس مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) از طریق مدل (۵) برآورد شده است. مقدار حاصله از فرمول هر چه بیشتر باشد؛ سطح محافظه کاری بالاتر است.

$$\text{مدل (۵)} \quad CSCORE_{i,t} = AFCC_{i,t}/TA_{i,t} \times (-1)$$

در مدل (۵)  $CSCORE_{i,t}$  درجه محافظه کاری،  $AFCC_{i,t}$  اقلام تعهدی عملیاتی (تفاوت سود عملیاتی و جریان نقدی عملیاتی به علاوه هزینه استهلاک) و  $TA_{i,t}$  ارزش دفتری دارایی‌ها است.

**نسبتهای مالی:** نسبتهای مالی به کار گرفته شده این تحقیق که در پژوهش باقری و عموری (۱۳۸۸) مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از: نسبت سود خالص، نسبت سود عملیاتی، نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش، سود خالص هر سهم، نسبت گردش موجودی کالا، دوره گردش موجودی کالا، سود خالص به دارایی ثابت، سود خالص به حقوق صاحبان سهام، سود عملیاتی به دارایی ثابت، سود عملیاتی به حقوق صاحبان سهام، سرمایه در گردش، سود خالص به سرمایه در گردش، سود عملیاتی به سرمایه در گردش، نسبت گردش مجموع داراییها و نسبت گردش داراییهای ثابت.

**هموارسازی سود:** به تبعیت دیچو و همکاران (۲۰۰۰) هرچه نسبت حاصل از مدل (۶) کوچک‌تر باشد سود هموارتر است.

$$ES_{i,t} = \frac{SD_{i,t} (Earnings_i/TAi)}{SD_{i,t} (CFO_i/TAi)} \quad \text{مدل (۶)}$$

در مدل (۶)،  $ES_{i,t}$  سود هموارشده،  $SD_{i,t} (Earnings_i/TAi)$  انحراف استاندارد سود عملیاتی تقسیم‌بر خالص دارایی‌ها و  $SD_{i,t} (CFO_i/TAi)$  انحراف استاندارد جریان نقد عملیاتی تقسیم‌بر خالص دارایی‌های شرکت  $i$  است.

**توانایی مدیریت:** برای برآورد توانایی مدیریت به تبعیت از دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) ابتدا با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها و مدل (۷) کارایی شرکت برآورد شده است.

$$Max_v \theta = \frac{sales}{v_1 CoGs + v_2 PPE + v_3 OpeExp} \quad \text{مدل (۷)}$$

در مدل (۷)،  $sales$  فروش،  $CoGs$  بهای تمام‌شده کالای فروش رفته،  $PPE$  دارایی‌های ثابت، و  $OpeExp$  هزینه‌های عملیاتی تعریف می‌شود. برای ارزیابی توان مدیریت، خروجی تحلیل پوششی داده‌ها به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مربوط به ویژگی‌های ذاتی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و مقدار باقی‌مانده حاصل از رگرسیون غلتان پنج ساله و با شرکت‌های هم صنعت بیانگر توانایی مدیریت است. ویژگی‌های ذاتی شرکت در این روش عبارتند از: اندازه شرکت (لگاریتم مجموع دارایی‌ها)، سهم بازار فروش شرکت نسبت به صنعت، جریان نقدی شرکت (جریان نقدی مثبت یک و در غیر این صورت صفر)، عمر پذیرش شرکت در بورس (لگاریتم سال‌های پذیرش) و فروش خارجی (در صورت وجود صادرات یک در غیر این صورت صفر).

**نداشتن حسن شهرت مالیاتی:** در این پژوهش، شرکت‌هایی که انحراف معیار پنج ساله اختلاف مالیات تشخیصی و ابرازی‌شان از میانگین کل نمونه کمتر و نسبت مالیات پرداختی به درآمدشان از میانگین کل نمونه بیشتر باشد شرکت‌های دارای حسن شهرت مالیاتی در نظر گرفته شده است (رضایی و شرافتی، ۲۰۱۵).

**مسئولیت پذیری اجتماعی:** برای محاسبه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها با بازده نسبت به مقیاس متغیر ورودی محور استفاده شده است. بدین منظور، مسئولیت قانونی (با شاخص امتیاز افشا، بیمه پرداختی سهم کارفرما و مالیات بر عملکرد پرداختی)، مسئولیت اخلاقی (با شاخص اقلام تعهدی اختیاری (به شرح مدل (۴)) و مسئولیت داوطلبانه (با شاخص تعداد کارکنان و درصد سهام شناور آزاد) به عنوان ورودی‌ها و مسئولیت اقتصادی (با شاخص ارزش شرکت (نسبت توبیزنس‌کیو)، نرخ رشد فروش و نرخ بازده سالانه سهام)

به عنوان خروجی مدل تحلیل پوششی داده‌ها است. در این تحقیق، معکوس خروجی تحلیل پوششی داده‌ها معیاری برای این متغیر است (رضایی و رحیمی آتنی، ۱۳۹۵).  
هزینه سرمایه: برای ارزیابی هزینه سرمایه سهام عادی از مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده شده است:

$$E(R_i) = R_f + \beta(E(R_m) - R_f) \quad (8)$$

در مدل (۸)،  $E(R_i)$  بازده مورد انتظار سهام،  $(R_f)$  بازده بدون ریسک،  $\beta$  بتای سهام و  $(E(R_m))$  بازده مورد انتظار بازار است.

تمرکز شرکت در صنعت: شاخص هرفیندال-هیرشمن برای اندازه‌گیری تمرکز شرکت از حاصل جمع توان دوم سهم بازار کلیه بنگاه‌های فعال در هر صنعت به شرح مدل (۲) دست آمده است. با این تفاوت که در این مدل،  $(n)$  تعداد بنگاه‌های موجود در صنعت،  $(X)$  اندازه فروش هر صنعت و  $(x_i)$  سهم فروش شرکت‌های فعال در آن صنعت است.

تمرکز مشتری: شاخص هرفیندال-هیرشمن برای اندازه‌گیری تمرکز مشتری از حاصل جمع توان دوم سهم خرید مشتریان عمده هر شرکت به شرح مدل (۲) دست آمده است. با این تفاوت که در این مدل،  $(n)$  تعداد مشتریان عمده،  $(X)$  اندازه فروش شرکت و  $(x_i)$  سهم فروش مشتریان عمده شرکت است.

راهبرد تجاری: به منظور تفکیک راهبرد تجاری شرکت‌ها، با استفاده از تحلیل خوش‌های سلسله مراتبی<sup>۱</sup>، مشابه روش ساین و آگاروال (۲۰۰۲)، از دو شاخص نسبت کارایی دارایی و توانایی کسب حاشیه سود استفاده شده است. شاخص اول از طریق نسبت فروش به کل دارایی‌ها و شاخص دوم از طریق نسبت سود ناخالص به فروش کل اندازه‌گیری شده است. در این پژوهش شرکت‌ها به چهار گروه تقسیم‌شده‌اند. شرکت‌هایی که شاخص اول/دوم آن‌ها هم‌زمان از میانگین صنعت-سال بالاتر/پایین‌تر باشد شرکت‌های رهبر در هزینه و شرکت‌هایی که شاخص اول/دوم آن‌ها هم‌زمان از میانگین صنعت-سال پایین/بالاتر باشد شرکت‌هایی که متمایز ساز تلقی شده‌اند. در این پژوهش برای شرکت‌های دارای استراتژی (رهبر در هزینه یا متمایز ساز) عدد یک و مابقی عدد صفر اختصاص داده شده است (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۴).

## ۵- یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

جدول (۶)، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود انحراف معیار متغیرها صفر نیستند، بنابراین می‌توان متغیرهای مورد بررسی را در مدل‌ها

<sup>1</sup>. Hierarchical cluster analysis

وارد کرد. تحلیل ارقام مندرج در جدول آمار توصیفی در دو بخش انجام می‌شود: (الف) متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی غیرعادی دارای حداقل ۰/۰۸، حداکثر ۱/۸۶ و چولگی ۲/۳۷۳ است. با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی غیرعادی مقدار باقیمانده حاصل از رگرسیون غلتان مدل دسای و دارماپala (۲۰۰۹) است می‌تواند دارای مقدار منفی یا مثبت باشد. چولگی مثبت این متغیر نیز بدین معنی است که تعداد شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی غیرعادی بالاتری دارند نسبت به آنها بیایی که اجتناب مالیاتی غیرعادی کمتری دارند، دارای فراوانی کمتری هستند.

جدول (۶): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد مشاهدات	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اجتناب مالیاتی غیرعادی	۳۸۵	۰/۱۸۶	-۰/۰۸	۰/۰۳۳	۲/۳۷۳	۱۲/۴۰۹	۱۲/۴۰۹
اختلاف دائمی مالیاتی	۳۸۵	۰/۳۳۲	۰/۰۷	۰/۰۲۰	۱۱/۶۰۰	۱۸/۱۳۲	۱۸/۱۳۲
اجتناب تعهدی بلندمدت مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۷	۰/۲۳۷	-۳/۵۴۶	۳۶/۹۹۸
اجتناب تعهدی مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۵	-۰/۰۱۶	۰/۱۴۶	-۲/۴۸۸	۲۲/۲۳۱
اجتناب نقدی مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۲۱	-۰/۰۲۱	-۰/۰۳۵	۰/۰۸۰	۰/۰۳۵	۲/۶۶۱
اجتناب نقدی بلندمدت مالیاتی	۳۸۵	-۰/۰۲۸	-۰/۰۲۸	-۰/۰۴۵	۰/۰۸۸	-۰/۲۸۲	۵/۷۵۵
عوامل مربوط به صنعت							
تخصص حسابرس در صنعت	۳۸۵	۰/۷۴۸	۱	۰	۰/۴۳۵	-۱/۱۴۷	۰/۶۸۷
تمرکز صنعت	۳۸۵	۰/۰۲۰	۰/۱۸۳	۰/۰۳۷	۰/۳۷۵	۲/۳۷۵	۸/۹۲۲
سیاست مالیاتی شرکت رهبر	۳۸۵	-۰/۰۰۴	-۰/۰۵۰	-۰/۰۵۶۰	۰/۰۸۹	۰/۸۱۱	۸/۵۶۹
نوع صنعت	۳۸۵	۰/۰۲۴	۰/۰۵۰۲	۰/۰۵۰۲	۰/۰۵۹	۵/۸۴۴	۴۰/۸۳۶
عوامل مربوط به گزارش‌های مالی							
اهم مالی	۳۸۵	۰/۵۵۶	۱/۲۵۲	۰/۱۱۱	۰/۲۰۳	۰/۴۲۸	۳/۹۴۸
بازده سود تقسیمی	۳۸۵	۰/۰۰۱	۰/۰۳۲	۰/۰۰۳	۰/۳۷۵	۵/۳۷۵	۳۹/۶۴۴
سطح نگداشت وجه نقد	۳۸۵	-۰/۲۳۰	-۰/۴۳۴	-۴/۴۱۱	-۰/۷۱۲	۰/۱۶۵	۰/۱۲۴
کیفیت افشا	۳۸۵	۰/۰۱۱	۰/۱۸۶	-۰/۰۸	۰/۰۵۶	۱/۹۶۸	۶/۱۹۹
کیفیت سود	۳۸۵	۰/۷۱۹	۱	۰	۰/۴۴۹	۰/۹۸۱	-۱/۰۴۳
عدم تقارن اطلاعاتی	۳۸۵	۲/۸۸۵	۵/۵۴۶	۰	۰/۲۰۲	۰/۵۴۱	۰/۴۵۵
مدیریت سود	۳۸۵	۰/۰۰۲	۱/۰۸۴	-۰/۰۵۲۰	۰/۱۶۲	۱/۰۰۲	۸/۶۹۳
محافظه‌کاری غیرشرطی	۳۸۵	-۰/۰۶۷	-۰/۰۳۸۰	-۰/۰۴۸۰	۰/۱۱۴	-۰/۳۲۳	۱/۵۸۵
نسبتهای مالی	۳۸۵	۰/۲۲۳	۱	۰	۰/۴۱۷	۱/۳۲۸	۲/۷۶۴
هموارسازی سود	۳۸۵	۱/۲۸۷	۱۹/۷۷۰	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۵	۲/۷۲۱	۴/۹۱۵
عوامل راهبری شرکتی							
ترکیب هیات مدیره	۳۸۵	۰/۵۷۹	۱	۰	۰/۲۱۴	-۰/۱۳۲	۳/۱۱۹
توانایی مدیریت	۳۸۵	۰/۴۴۶	۱	-۰/۰۳۷	۰/۲۵۱	-۰/۱۸۲۱	۲/۶۷۰
تخصص اعضای هیات مدیره	۳۸۵	۰/۳۴۵	۱	۰	۰/۴۷۶	۰/۶۵۰	۱/۴۲۲

-۰/۶۵۰	-۱/۱۶۳	۰/۴۳۳	.	۱	۰/۷۵۰	۳۸۵	خانوادگی نبودن
۳/۸۷۶	-۱/۶۹۵	۰/۳۸۱	.	۱	۰/۸۲۳	۳۸۵	عدم عضویت مدیر عامل در هیات مدیره
۱/۰۰۰	-۰/۰۲۵	۰/۵۰۰	.	۱	۰/۰۵۶	۳۸۵	تحصیلات اضای هیات مدیره
۴/۹۲۸	۱/۹۸۱	۰/۳۵۵	.	۱	۰/۱۴۸	۳۸۵	مالکیت دولتی
۰/۷۴۳	-۱/۲۱۳	۰/۲۴۱	.	۰/۹۰۰	۰/۶۷۹	۳۸۵	مالکیت نهادی
عوامل اجتماعی							
-۰/۴۵۰	۱/۲۴۶	۰/۴۲۵	.	۱	۰/۲۳۶	۳۸۵	نداشتن حسن شهرت مالیاتی
-۱/۳۳۶	-۰/۰۶۸	۰/۲۰۹	.	۱	۰/۰۷۴۶	۳۸۵	مسئولیت پذیری اجتماعی
عوامل بازار سرمایه							
۶/۳۰۹	۱/۵۹۵	۰/۷۴۱	۰/۰۰۱	۴/۵۳۹	۰/۸۴۲	۳۸۵	ارزش سهام شرکت
۲/۰۱۶	۱/۱۳۱	۰/۲۳۶	۰/۰۴۰	۰/۶۳۰	۰/۴۲۲	۳۸۵	هزینه سرمایه
۵/۰۰۳	۱/۹۱۷	۱/۰۰۷	۰/۱۳۰	۶/۵۶۰	۱/۲۸۷	۳۸۵	فرصت رشد
عوامل مربوط به حسابرس							
۲/۱۶۷	۱/۰۸۰	۰/۴۴۰	.	۱	۰/۲۶۲	۳۸۵	اندازه حسابرس
-۱/۹۵۹	-۰/۲۲۶	۰/۴۹۷	.	۱	۰/۰۵۵	۳۸۵	دوره تصدی حسابرس
-۱/۹۸۴	-۰/۱۶۴	۰/۴۹۹	.	۱	۰/۰۵۴۰	۳۸۵	نوع اظهارنظر حسابرس
عوامل تجاری							
۲/۸۸۴	۱/۲۲۰	۰/۲۱۷	۰/۰۰۱	۰/۶۵۶	۰/۱۶۵	۳۸۵	تمرکز شرکت
۲/۴۲۸	۰/۸۳۲	۰/۳۳۵	.	۱	۰/۳۰۸	۳۸۵	تمرکز مشتری
۲/۱۶۷	۱/۰۸۰	۰/۴۴۰	.	۱	۰/۲۶۲	۳۸۵	راهبرد تجاری
-۱/۲۲۷	۰/۸۸۳	۰/۴۵۸	.	۱	۰/۲۹۸	۳۸۵	سرمایه‌گذاری در موجودی کالا
۲/۸۰۶	۰/۹۷۱	۰/۲۸۰	.	۰/۰۹۹۱	۰/۲۶۷	۳۸۵	معامله با اشخاص وابسته
ویژگی‌های عمومی							
۳/۷۶۳	۰/۶۹۶	۱/۲۰۵	۱۱/۳۱۴	۱۸/۰۱۰	۱۴/۱۶۰	۳۸۵	اندازه شرکت
-۰/۶۷۶	-۰/۰۳۱۶	۰/۱۴۷	۳/۱۷۸	۴/۳۱۷	۳/۸۹۹	۳۸۵	عمر شرکت

ضمن اینکه به طور طبیعی مالیات تشخیصی از مالیات ابرازی بیشتر و اختلاف دائمی مالیات دارای حداقل صفر است و از آنجایی که مالیات تشخیصی و ابرازی بر سود قبل از مالیات تقسیم شده‌اند دارای حداقل کمتر از یک است. اجتناب نقدی و تعهدی مالیاتی که تفاوت هرسال-شرکت با میانگین سال-صنعت است نیز می‌تواند دارای حداقل و حداقل منفی یا مثبت باشد.

ب) متغیرهای مستقل: تخصص حسابرس در صنعت دارای میانگین ۷۴۸ و چولگی ۱/۱۴۷ است. این میانگین بدین معنی است که در ۲۸۷ سال-شرکت، حسابران به صورت تخصصی فعالیت می‌کنند و چولگی منفی هم نشان می‌دهد شرکت‌هایی که توسط حسابران متخصص در صنعت حسابرسی می‌شوند دارای فراوانی زیادی هستند. مدیریت سود دارای حداقل و حداقل ۰/۵۲ و ۱۰/۸۴ و میانگین ۰/۰۲ است. میانگین اهرم مالی نشان می‌دهد به طور متوسط ۵۵

در صد مجموع دارایی‌های شرکت‌ها توسط بدھی‌های بهره‌دار، تامین مالی شده است. با توجه به اینکه برخی شرکتها در برخی سالها سود تقسیمی ندارند و شرکتهای زیان‌ده از نمونه شرکتها حذف شده‌اند متغیر بازده سود تقسیمی دارای حداقل صفر است. با توجه به اینکه نسبتهای مالی به متغیر مجازی تبدیل شدن دارای حداقل و حداکثر صفر هستند. امتیاز کیفیت افشا که توسط سازمان بورس اوراق بهادار اعلام می‌شود دارای حداکثر ۱۰۰ و حداقل منفی است؛ بنابراین معکوس آن که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته دارای حداکثر کمتر از یک و حداقل منفی است، میانگین ۱۱٪/۰ نشان می‌دهد از نظر سازمان بورس، میانگین امتیاز کیفیت افشا ۹۰٪ از ۱۰۰ است. چولگی کیفیت افشا هم ۱/۹۶٪ است. با توجه به اینکه در این تحقیق، در اندازه‌گیری این متغیر، معکوس امتیاز کیفیت افشا لحاظ شده است این چولگی بدین معنی است که شرکتهایی که گزارش‌های مالی آنها از نظر ویژگی‌های به موقع بودن و قابلیت اتکا، دارای کیفیت پایین‌تری نسبت به بقیه هستند از فراوانی بالایی برخوردار نیستند.

میانگین ۰/۸۲۳، ۰/۳۴۵، ۰/۵۰۶ و ۰/۱۴۸ برای متغیرهای به ترتیب دوگانگی و ظاییف مدیرعامل، ترکیب هیات مدیره، تخصص اعضا هیات مدیره، تحصیلات اعضا هیات مدیره و دولتی بودن نشان می‌دهد در هیات مدیره ۳۱۶ سال-شرکت مدیرعامل عضو هیات مدیره نیست؛ علیرغم تکلیف قانونی شرکتها در هیات مدیره ۱۳۳ سال-شرکت هیچیک از اعضا دارای تخصص مالی، مدیریتی یا اقتصادی نیستند؛ در ۱۹۲ سال-شرکت نیمی از اعضا هیات مدیره شرکتها دارای مدرک تحصیلی زیر فوق لیسانس هستند و ۵۷ سال-شرکت در زمرة شرکتهای دولتی هستند. متغیر نداشتن حسن شهرت مالیاتی دارای میانگین ۰/۲۳۶ است یعنی در ۹۰ سال-شرکت حسن شهرت مالیاتی ضعیف است. ارزش سهام شرکت دارای حداکثری ۴/۵۳٪ است یعنی شرکتی وجود دارد که ارزش سهام آن ۴/۵ برابر دارایی‌های آن شرکت است. میانگین اندازه حسابرس برابر ۰/۲۶۲ است یعنی ۱۰۰ سال-شرکت از مجموع ۳۸۵ سال-شرکت توسط موسساتی غیر از سازمان حسابرسی و موسسه مفیدراهبر حسابرسی شده‌اند.

میانگین و چولگی راهبرد تجاری به ترتیب ۰/۲۶۲ و ۰/۱۰۸ است. میانگین این متغیر نشان می‌دهد حدود ۱۰۰ شرکت دارای راهبرد تجاری بوده و چولگی مثبت بیانگر فراوانی کمتر شرکت-های بدون راهبرد تجاری است. عمر شرکت نیز دارای حداقل و حداکثر و میانگینی به میزان ۳/۱۷۸، ۴/۳۱۷ و ۳/۸۹۹ است. یعنی تاریخ صدور پروانه بهره‌برداری شرکتهای مورد بررسی در بازه ۲۴ تا ۷۵ سال است و بطور میانگین حدود نیم قرن سابقه فعالیت دارند. پرسشنامه‌ای که برای مقایسه زوجی تهیه گردید بین ده نفر از خبرگان توزیع شد. خبرگان، از بین پنج عضو هیات علمی دانشگاه و پنج نفر از مدیران سازمان مالیاتی که دارای مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد حسابداری هستند، انتخاب گردید.

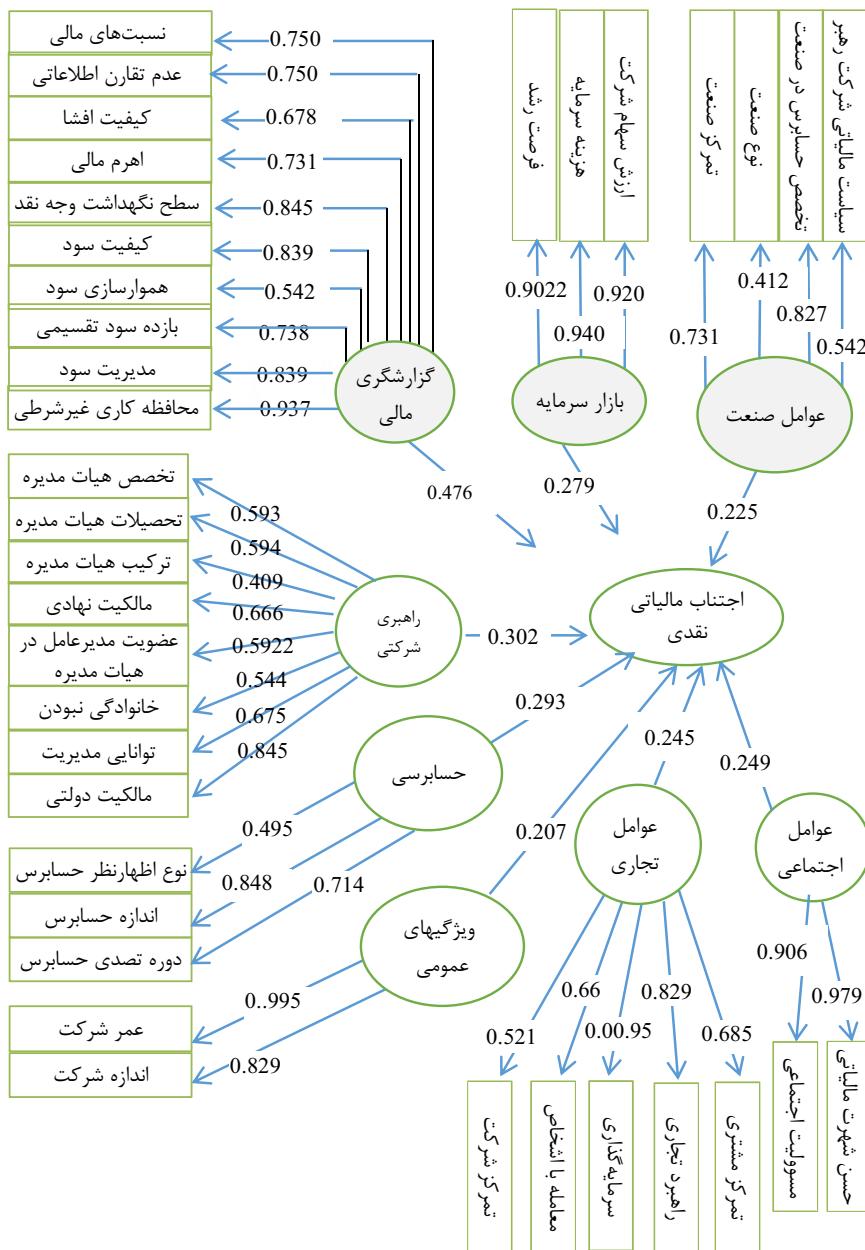
### مدل معادلات ساختاری و نتایج تحقیق

در معادلات ساختاری دو نمودار استخراج می‌شود یکی مدل استاندارد که در آن ضرایب مسیر و بارهای عاملی مشخص است و دیگری مدل معنی‌داری که در آن معنی‌دار بودن آنها. این مدل تمامی معادلات را با استفاده از آماره  $t$ ، آزمایش می‌کند و چنانچه مقدار آماره  $t$  از  $1/96$  بیشتر باشد ضریب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است (نیکخت و احمدخان‌بیگی، ۱۳۹۷). در این تحقیق، با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی به شش روش اندازه‌گیری شد (جدول ۴)، شش بار مدل‌سازی انجام گرفت و با توجه به شاخص نیکوبی برازش (جدول ۸)، مدلی که متغیر وابسته آن، اجتناب مالیاتی نقدی ( $y_5$ ) بود به عنوان مدل تحقیق انتخاب گردید.

مدل معادلات ساختاری تحقیق در حالت استاندارد در شکل (۱) و مقادیر آماره ( $t$ ) در جدول (۷) نشان داده شده است. همان‌طور که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود مقدار آماره ( $t$ ) در تمام روابط بین عوامل و اجتناب مالیاتی از  $1/96$  بیشتر بوده و تمام فرضیه‌های تحقیق تایید می‌شود. با توجه به وجود ضرایب مسیر مثبت می‌توان گفت عوامل شناسایی شده بر اجتناب مالیاتی تاثیر مستقیم دارد. ضریب تعیین این روابط عدد  $0.679$  است. این عدد نشان می‌دهد این عوامل می‌توانند  $67/9$  درصد تغییرات اجتناب مالیاتی را پیش‌بینی کند.

جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق بر اساس نتایج معادلات ساختاری

نتیجه	$t$ -value	ضریب مسیر	عامل
تایید	۴/۰۲۶	۰/۲۲۵	فرضیه ۱: عوامل مربوط به صنعت بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۱۸۶	۰/۴۷۶	فرضیه ۲: عوامل مربوط به گزارش‌های مالی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
تایید	۲/۶۸۲	۰/۳۰۲	فرضیه ۳: عوامل راهبری شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۰۱۷	۰/۲۴۹	فرضیه ۴: عوامل اجتماعی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
تایید	۲/۳۲۸	۰/۲۷۹	فرضیه ۵: عوامل مربوط به بازار سرمایه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۰۴۰	۰/۲۹۳	فرضیه ۶: عوامل مربوط به حسابرس بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۰۹۷	۰/۲۴۵	فرضیه ۷: عوامل تجاری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تاثیر دارد.
تایید	۲/۱۲۹	۰/۲۰۷	فرضیه ۸: ویژگیهای عمومی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنها تاثیر دارد.
۰/۶۷۹			ضریب تعیین



شکل ۱. مدل اصلی تحقیق بر اساس شاخص‌های معرفی شده

جدول شماره (۸) شاخص‌های روانی، پایایی و برازش مدل را نشان می‌دهد. در این جدول، بیانگر میانگین بارهای عاملی است که واریانس متغیرهای پنهان را تبیین می‌کنند.  $R^2$  نیز همان ضرایب مسیر است. برای محاسبه نیکوبی برازش از رابطه شماره (۳) استفاده شده است:

$$GOF = \sqrt{AVE} \times \sqrt{R^2} \quad (3)$$

که در آن  $\sqrt{R^2}$  محدود میانگین AVE و  $R^2$  است. بالاتر بودن شاخص GOF از  $0.4/0.456$  برازش مدل را نشان می‌دهد. مقدار شاخص برازش مدل تحقیق  $0.456/0.456$  شده و از مقدار  $0.4/0.456$  بزرگتر است. به بیان دیگر داده‌های این تحقیق با ساختار عاملی و زیربنای نظری تحقیق برازش مناسبی دارد.

جدول ۸-شاخص‌های روانی، پایایی و برازش مدل

GOF	$\sqrt{R^2}$	$\sqrt{AVE}$	$R^2$	AVE	متغیرهای پژوهش
$0.456$	$0.533$	$0.856$	$0.225$	$0.628$	عوامل مربوط به صنعت
			$0.476$	$0.747$	عوامل مربوط به گزارش‌های مالی
			$0.302$	$0.283$	عوامل راهبری شرکتی
			$0.249$	$0.943$	عوامل اجتماعی
			$0.279$	$0.930$	عوامل مربوط به بازار سرمایه
			$0.293$	$0.686$	عوامل مربوط به حسابرس
			$0.245$	$0.732$	عوامل تجاری
			$0.207$	$0.912$	ویژگی‌های عمومی

جدول (۹) خروجی نرم افزار اکسپرت چویس در تحلیل سلسله مراتبی را نشان می‌دهد. همانطور که ضرایب ابعاد مندرج در جدول (۹) نشان می‌دهد، اهمیت عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی از نظر خبرگان به ترتیب عبارتند از: عوامل تجاری، عوامل راهبری شرکتی، عوامل مربوط به حسابرس، عوامل مربوط به گزارش‌های مالی، عوامل مربوط به صنعت، ویژگی‌های عمومی، عوامل مربوط به بازار سرمایه و عوامل اجتماعی.

جدول ۹-وزن عوامل از نظر خبرگان

عوامل	صنعت	مالی	شرکتی	راهبری	حسابرس	بازار سرمایه	تجاری	عمومی
$0.093$	$0.102$	$0.216$	$0.030$	$0.053$	$0.151$	$0.261$	$0.92$	$0.92$

## ۶-بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از مدلی که ارائه و رتبه‌بندی که انجام شد ممیز مالیاتی می‌تواند با استفاده از اطلاعات عام و خاص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران حدس بزند اجتناب مالیاتی مؤدی نسبت به سایر مؤدیان بالاتر است یا خیر. در این رتبه‌بندی، عوامل تجاری دارای بالاترین اهمیت از نظر خبرگان شناخته شدند.

یکی از مولفه‌های عوامل تجاری در این تحقیق مرکز مشتریان است. درماندگی مالی و اعلام ورشکستگی یا اتخاذ تصمیم هریک از مشتریان عمدۀ نسبت به تغییر تأمین‌کننده و همچنین تولید محصول توسط خود این مشتریان، تأمین‌کننده را با ریسک کاهش فروش آتی و به دنبال آن افزایش ریسک جریان‌های نقدی شرکت موواجه می‌کند (دالیوال، ۲۰۱۶). ضمن اینکه مشتریان عمدۀ تمایل دارند از قدرت چانه‌زنی خود به منظور وادارکردن تأمین‌کننده به کاهش قیمت فروش، ایجاد شرایط اعتباری راحت‌تر و دفعات تحويل بیشتر با مقادیر کمتر مطابق با کاهش سطح موجودی مشتریان عمدۀ استفاده کنند. این توافق‌های نامطلوب بر ریسک سودآوری و نقدینگی آتی تأمین‌کننده تاثیرگذار است (پیرسی و لان، ۲۰۰۶) این استدلال‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های با مشتری متمنکر، ریسک جریان‌های نقدی بیشتری داشته و برای غلبه بر آن و نمایش دادن توانایی مالی خود، ترجیح می‌دهند با اجتناب مالیاتی، وجه نقد بیشتری نگهداری کنند (هانلون و هیترمن، ۲۰۱۰). البته شرکت‌ها می‌توانند وجه نقد را از سایر منابع نظیر صدور سهام، صدور اوراق بدھی، عدم پرداخت سود سهام و کاهش هزینه‌های اختیاری نیز به دست آورند، اما تکیه شرکت‌ها به اجتناب از مالیات یا سایر ابزارها به منظور ایجاد وجه نقد، به هزینه نسبی هر یک از روش‌ها بستگی دارد. انتظار بر این است که اجتناب از مالیات به عنوان ابزاری برای ایجاد وجه نقد، هزینه‌های نسبتاً کمتری داشته باشد (شیبانی تذریجی و همکاران، ۱۳۹۷). مطابق نتایج این تحقیق نیز، شرکت‌های دارای مشتریان عمدۀ، دارای اجتناب مالیاتی بالاتری هستند. ارتباط وجود مشتریان عمدۀ و اجتناب مالیاتی در تحقیقات شیبانی تذریجی و همکاران (۱۳۹۷) و هانگ و همکاران (۱۶۰) نیز تایید شده است.

یکی دیگر از مولفه‌های عوامل تجاری در این تحقیق، معامله با اشخاص وابسته است. یعنی هرچه میزان خرید و فروش کالا و یا خدمات به فروشنده‌گان و خریداران بیشتر باشد آن شرکت بیشتر به دنبال اجتناب مالیاتی است. پارک (۲۰۱۸) استدلال می‌کند شرکت‌های عضو یک گروه تجاری که در مناطق دارای نرخ مالیاتی بالا فعالیت می‌کنند می‌توانند از طریق معامله با شرکت‌های همان گروه که در مناطق با نرخ مالیاتی پایین فعالیت می‌کنند معامله داشته و با انتقال سود خود به آنها مالیات خود را حداقل کنند. تاثیر معامله با اشخاص وابسته در تحقیق رضایی و مظاہری (۱۳۹۵) و پارک (۲۰۱۸) نیز تایید شده است.

داشتن راهبرد تجاری هم بر رفتار مالیاتی شرکتها اثرگذار است. شرکت‌هایی که به حداقل کردن هزینه‌ها علاقه‌مند هستند (رهبر در هزینه)، به طور طبیعی بیشتر از سایرین به دنبال کاهش هزینه مالیات هستند. از سوی دیگر شرکت‌هایی که بیشتر بر روی رشد و نوآوری تمرکز دارند (متمازیساز) بهشت به دنبال فرصت‌های جدید هستند و این امکان وجود دارد که این فرهنگ تهاجمی، سطح اجتناب مالیاتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین همانطور که نتیجه این تحقیق نیز نشان داد شرکت‌های دارای استراتژی تجاری، بیشتر به سراغ اجتناب مالیاتی می‌روند.

سرمایه‌گذاری در موجودی کالا نیز از عواملی است که در این تحقیق در دسته عوامل تجاری قرار گرفته است. زیمرمن (۱۹۸۳) بیان می‌کند از آنجا که موجودی کالای پایان دوره دارای تأثیر مستقیمی بر سود است این انتظار می‌رود که شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاری زیاد در موجودی کالا دارای نرخ مؤثر مالیاتی بیشتری باشند. بنابراین این شرکت‌ها دارای اجتناب مالیاتی کمتری هستند. نتایج تحقیق حاضر نیز موید این موضوع است که اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری در موجودی کالای کمتری دارند بیشتر است.

در این تحقیق، تمرکز شرکت از دیگر مولفه‌های عوامل تجاری است. هرچه شرکت‌ها به شرایط انحصار نزدیک شوند قادرند تا به میزان بالاتر و باداماتر درآمدهای خود به منظور حفظ موقعیت در بازار برسند و می‌توانند با ترس کمتری نسبت به از دست دادن سهم بازارشان در فعالیت‌های جسورانه‌تر درگیر شوند بنابراین امکان اینکه رفتار اجتناب از پرداخت مالیات داشته باشند بیشتر است (پیرس، ۲۰۱۰). بر اساس نتایج تحقیق حاضر، این رابطه تایید شده است. بنابراین می‌توان گفت هرچه رقابت در یک صنعت کمتر باشد و حجم بیشتری از محصولات و خدمات ارایه شده در آن صنعت توسط شرکت‌های کمتری ارایه شود میزان اجتناب مالیاتی در آن بیشتر است. تاثیر تمرکز شرکت بر اجتناب مالیاتی در تحقیق خدامی و بزرایی (۱۳۹۴) و لینج و همکاران (۲۰۱۳) نیز تایید شده است.

هدف نهایی این تحقیق ارایه مدلی عملیاتی برای اجتناب مالیاتی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر آن است که به سازمان امور مالیاتی در شناسایی مؤدیان پرخطر مالیاتی کمک کند. میزان مالیاتی می‌توانند با اندازه‌گیری خاصه‌های مطرح شده تحقیق برای مؤدیان و قرار دادن آن در مدل نهایی این تحقیق و با استفاده از رتبه متغیرها، میزان خطر اجتناب مالیاتی مؤدیان نسبت به یکدیگر را بسنجند و برای مؤدیان پررسیک‌تر زمان و انرژی بیشتری بگذارند. همچنین برای پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌گردد: ۱) برای شناسایی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی از روش

متاستنتر<sup>۱</sup> استفاده شود. ۲) به جای شش بار مدلسازی با روش معادلات ساختاری و مقایسه آنها، اجتناب مالیاتی با رویکردهای مختلف یکجا در مدل وارد شوند. ۳) متغیرهای مستقل، متغیر مکنون درنظر گرفته شده و با روش‌های مختلف اندازه‌گیری شوند. ۴) مدلی با ترکیب متغیرهای کمی و کیفی نظیر ویژگی‌های شخصیتی مدیران شرکت‌ها ارایه شود. ۵) با توجه به ویژگی‌های هر صنعت مدل شناسایی مؤدیان پریسک مالیاتی به تفکیک هر صنعت و با استفاده از تمام روش‌های اندازه‌گیری ارایه شود.

#### منابع

- آقایی، محمدعلی؛ حسنی، حسن و باقری، حسن. (۱۳۹۷)، نقش توانایی مدیریت در اجتناب مالیاتی شرکتی: شواهدی از بورس اوراق بهادر تهران، *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال ۱۴، شماره ۵۷، ۱۳۹۷، صص ۲۴-۴۷.
- اسعدی، عبدالرضا. (۱۳۹۵)، حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای هلدینگ و تابعه در بورس اوراق بهادر تهران، *مجله راهبرد مدیریت مالی*، سال چهارم، شماره پانزدهم، ۱۳۹۵، صص ۱۵۱-۱۲۹.
- اسماعیلی، سعید؛ جبارزاده‌کنگلوبی، سعید و متولی، مرتضی. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه هموارسازی سود مشمول مالیات با اجتناب مالیاتی و محتوای سود اطلاعاتی مشمول مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران، *پژوهشنامه مالیات*، شماره بیست و چهارم، ۱۳۹۳، صص ۱۱۳-۱۳۳.
- افلاطونی، عباس و نعمتی، مرضیه. (۱۳۹۷)، نقش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره اول، ۱۳۹۷، صص ۲۰-۱.
- باقری، بهروز و عموری، مهدی. (۱۳۸۸)، شناسایی و اولویت بندی نسبت‌های مالی اثرگذار بر درآمد مشمول مالیات، *فصلنامه تخصصی مالیات*، شماره چهارم، صص ۷۳-۸۰.
- برزگری خانقا، جمال و فیض‌بور، محمدعلی. (۱۳۹۲)، حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجارتی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، *مجله پژوهش‌های حسابداری*، شماره ۹، صص ۲۳-۴۳.

<sup>1</sup>. synthesis

بحری ثالث، جمال؛ بهمنون، یعقوب و مددی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳)، ویژگیهای هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسوانه، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره بیست و دوم، صص ۴۵-۲۴.

بنی مهد، بهمن؛ عربی، سیدمهدی و حسن پور، شیوا (۱۳۹۷). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری، چاپ دوم. تهران: ترمه.

بهشتی، یعقوب و رویایی، رمضانعلی (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و نگرش فرار مالیاتی، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۷۵-۲۴۷.

حساس یگانه، یحیی و گل محمدی شورکی، مجتبی (۱۳۹۰)، رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها، پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم، ۱۳۹۰، صفحه ۲۶۳-۲۲۹. حسنی القار، مسعود و صابر شعری، آناقیز. (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، مجله دانش حسابداری، دوره هشتم، شماره (۱)، ۱۳۹۶، صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۴. خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم و ملایی، مهنام. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۳۵، شماره ۲۵، صص ۶۸-۴۲.

خدادادی، ولی و تاکر، رضا. (۱۳۹۱)، تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۵، ۱۳۹۱، صفحه ۵۷-۳۶. خدامی‌پور، احمد و بزرایی، یونس. (۱۳۹۴)، تاثیر رقابت بازار محصول بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و هفت، صص ۲۱۱ - ۲۲۷.

خدمامی‌پور، احمد؛ هوشمند زعفرانیه، رحمت الله و دلدار، مصطفی. (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره هفدهم، صص ۳۲ تا ۵۵.

خدمامی‌پور، احمد و امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدھی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، پژوهشنامه مالیات، شماره نوزدهم، صص ۱۳۵ - ۱۵۵.

خواجه‌ی، شکرالله و کیامهر، محمد. (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و ششم، صص ۳۶۱-۳۸۰.

- دارابی، رویا؛ پاشانژاد، یوسف و تدوین فرد، اسماعیل. (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مسؤولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۷-۹۲.
- دستگیر، محسن؛ ایزدی‌نیا، ناصر؛ عسکری، علی و رمضانی، مهدی. (۱۳۹۴)، ارائه مدل انتخاب برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک اشخاص حقوقی در ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، صص ۳۴۰-۳۶۵.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ بنی‌مهد، بهمن و روستایی دره میانه، الهام. (۱۳۹۴)، رابطه بین استراتژی شرکتهای تجاری و سطح اجتناب مالیاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، صص ۱۲۳-۱۵۶.
- رحمانی، علی؛ ملانظری، مهناز؛ اربابی، بهار، زهرا. (۱۳۹۳)، بررسی رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی با اجتناب از پرداخت مالیات، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، صص ۱۱۶-۱۴۰.
- رضایی، فرزین و رحیمی آنانی، هانیه. (۱۳۹۵)، رابطه بین مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- رضایی، معصومه و رضایی، فرزین. (۱۳۹۵)، ارتباط چسبندگی هزینه و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره دوم، صص ۱۶۳-۱۹۱.
- رضایی، فرزین و مظاہری، پریا. (۱۳۹۵)، تاثیر معامله با اشخاص وابسته بر اجتناب مالیاتی شرکتها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- رمضان‌نیا، حسن و رضایی، فرزین. (۱۳۹۶)، بررسی اثر مسؤولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر ریسک سیستماتیک و ریسک غیر سیستماتیک با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره چهارم، صص ۱۸۹-۲۱۴.
- فروغی، داریوش و محمدی، شکوفه. (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداری وجه نقد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- سپاسی، سحر؛ پارساپور، محمدرضا و رضایت، محیا. (۱۳۹۶)، طراحی مدل مدل تاثیر بعد اقتصادی مسؤولیت اجتماعی بر اجتناب مالیاتی با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری، پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و پنج، صص ۳۱-۶۸.

شوروزی، محمدرضا؛ خلیلی، محسن؛ سلیمانی، حمید و فروتن، امید. (۱۳۹۴)، ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۲۱-۱۳۹.

شیبانی تدرجی، عباس؛ خدامی‌پور، احمد و پورحیدری، امید. (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره دوم، صص ۲۱۴-۲۳۲.

لاری دشت بیاض، محمود؛ قایم مقامی، کامران و کهرمی، قاسم. (۱۳۹۵)، بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی با تأکید بر مولفه‌های فرهنگی، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری - سال اول، شماره اول، صص ۱۳۹-۱۶۴.

مجتهدزاده، ویدا؛ ابوحمزة، مینا و میرزاپی، محمدمهدی. (۱۳۹۴)، تأثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش گریز مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال چهارم، ۱۳۹۴، شماره ۱۵۵، صص ۱-۲۱.

مشايخی، بیتا و علی پناه، صبری. (۱۳۹۴)، تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۴۹-۶۴.

مشايخی، بیتا و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۳)، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، مجله دانش حسابداری، سال ششم، صص ۸۳-۱۰.

موسی، احمد؛ رضایی، فرزین و شاهویسی فرهاد. (۱۳۹۶)، تبیین ایقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تأثیر آن بر خصوصیات کیفی اطلاعات مالی، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال دهم، شماره سی و سوم، صص ۸۹-۱۰۹.

محمدی، جواد و فخاری، حسین. (۱۳۹۵)، تأثیر خودکنترلی و تعهدات دینی مدیران مالی بر کیفیت افشای اطلاعات، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره دوم، صص ۴۱-۶۳.

مهرانی، کاوه و پرواپی، اکبر. (۱۳۹۳)، کیفیت افشا در شرکتهای خانوادگی، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره چهارم، صص ۵۴۰-۵۲۷.

نیکبخت، محمدرضا و احمدخان‌بیگی، مصطفی. (۱۳۹۷)، تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره سوم، صص ۴۴۴-۴۵۴.

هادیان، ابراهیم و تحولی، علی. (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۵۸-۳۹.

- Allingham, M. G. and A. Sandmo., 1972. Income tax evasion: A theoretical analysis. *Journal of Public Economics*. 1: 323-338.
- Chan, H, K., Mo, P, L, L , Zho, A, Y. 2013. Government ownership, corporate governance and tax aggressiveness. *Accounting and finance*, v 533, issue 4: 112-140.
- Desai, M., Dyck, I., Zingales, L., 2007. Theft and taxes. *Journal of Financial Economics*. 84: 591–623.
- Deslandes, M., Landry, S., 2007. Taxable Income, Tax-Book Differences and Earnings Quality. *Université du Québec à Montréal* . 44: 510–540.
- Ben-Hsien, B., and Da- Hsien, B. 2004. Income Smoothing, Earnings Quality and Firm Valuation. *Journal of Business Finance& Accounting*. 99: 112-146.
- Campbell, K. and Helleloid, D. 2016. Social responsibility and tax avoidance. *Journal of Accounting Education*. Doi:10.1016/j.jaccedu.2016.09.001.
- Cook, K. A., and Moser, W, J and Omer, C, T. 2017. Social responsibility and tax avoidance and ex-ante cost of capital. *Journal of business finance accounting*. Doi:10.1111/jbfa.12258.
- Dechow, P.M. and D.J. Skinner. 2000. Earnings Management: Reconciling the Views of Accounting Academics, Practitioners, and Regulators. *Accounting Horizons*. 110:235 50.
- Desai, M.A., Dharmapala, D.2009. Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91(3): 537–546.
- Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis, and S. MacVay.2013. Managerial ability and Earnings quality. *The Accounting Review*, 88(2): 463-498
- Dhaliwal, D, S., Huang, S, X., Moner, W., Pereira, R. 2011. Corporate Tax Avoidance and the Level and Valuation of Firm Cash Holdings. *Contemporary Accounting Research*,21: 431–459.
- Dhaliwal, D., Judd, J. S., Serfling, M. A., Shaikh, S.A.2016. Customer Concentration Risk and the Cost of Equity Capital. *Journal of Accounting and Economics*, 61(1): 23-48.
- Donohoe, P , M., Knechel , W, R.2013.Does corporate tax aggressiveness influence audit pricing?. *Contemporary Accounting Research*. 22: 440-461.
- Ferguson, A., J. Francis, and D. Stokes.2003. The effects of firm-wide and office-level industry expertise on audit pricing. *The Accounting Review*,78 (2): 429–448.
- Francisa, J., LaFondb, R., Olssona, P., Schipperc, K.2005. The market pricing of accruals quality, *Journal of Accounting and Economics*. NC 27708-0120.
- Givoly, D and Hayn, C.2000.The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: has financial accounting become more conservative?, *Journal of Accounting and Economics*, 29 (1): 287–320.
- Gul, F. 2010. Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47(3): 265–287.
- Hanlon, M., and S. Heitzman. 2010. A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2- 3): 127–178.
- Huang, H. H., Lobo, G. J., Wang, C., & Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance. *Journal of Banking & Finance*, 72, 184-200.

- Jensen, M., Meckling, W. 1976. Theory of the firm: managerial behavior ,agency costs and ownership structure, *Journal of Financial Economics*, 3: 305–360.
- Kim, K. A., & Limpaphayom, P. 1998. Taxes and firm size in Pacific-Basin emerging economies. *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, 7(1): 47-8.
- Khwaja, Munawer Sultan. Rajul Awasthi, and Jan Loepnick .2011. Risk-Based Tax Audits: Approaches and Country Experiences, The International Bank for Reconstruction and Development, The World Bank,1818 H Street NW, Washington DC 20433.
- Kwun, p. arzimanoglou. A , Berg. A .2010. Definition of drug resistant epilepsy, wiley online library, volume 51 , issue 6: 133-160.
- Lberman, M., ASABA, A.2006. HY DO FIRMS IMITATE EACH OTHER?, *Academy of Management Review*, Vol. 31, No. 2, 366–385.
- Linch, D., Kubick, T. R., Mayberry, M.A., & Omer, T. C. 2013. Product Market Power and Tax Avoidance: Market Leaders, Mimicking Strategies, and Stock Returns, www.ssrn.com
- Lin, Z. J.; and M. Liu .2009. The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 89: 44-59.
- Minnick, K., &Noga, T.2010. Do corporate governance characteristic influencing tax management?. *Journal of Corporate Finance*, 16: 703 – 718.
- Muth, M. M., and Donaldson, L. 1998. Steward theory and board structure: A contingency approach. *Corporate Governance*, 6: 5-28.
- Opler, T., Pinkowitz, L., Stulz, R. & Williamson, R. (1999). «The Determinants and Implications of Corporate Cash Holdings», *Journal of Financial Economics*, Vol. 52, 3-46.
- Park, S. 2018. Related Party Transactions and Tax Avoidance of Business Groups. *Sustainability Journal*. doi:10.3390/su10103571.
- Palmrose, Z. V. 1988. An analysis of auditor litigation and audit service quality. *Accounting Review*, 63: 55–73.
- Pei-Hui, M, Moore, J.A. Neubaum, D, O .2014. TAX AVOIDANCE, FINANCIAL EXPERTS ON THE BOARD, AND BUSINESS STRATEGY, *Journal of Accounting and Economics*, 6: 5-28.
- Peress, J. 2010. Product market competition, insider trading and stock market efficiency. *Journal of Finance*, 65: 1-43.
- Piercy, N., Lane, N. 2006. The Underlying Vulnerabilities in Key Account Management Strategies. *European Management Journal*, 24(2-3): 151-162.
- Rezaee, F., Sherafati, F. 2015. Impact of tax avoidance co-determinant on relationship between future and current profitability. *Iranian journal of business and economics*. V2. I3: 43-70.
- Rezaee, F., zare, m. 2014. Effect of product market power, concentration of industrial groups and policies of leading company. *Advances in environmental biology*. 99: 382-393.
- Ross, M., Roman, L., Peter, W., Brett, G. 2017. The impact of dividend imputation on corporate tax avoidance: the case of shareholder value. *Journal of corporate finance*, volume 48: 492-514.

- Tien, S., Zhihong, W., Sebahattin, D. 2018. Overconfidence and tax avoidance: the role of CEO and CFO interaction. *Journal of accounting and public policy*, volume 37, issue 3: 241-253.
- Venkatesh, P. C., and R. Chiang. 1986. Information Asymmetry and the Dealers Bid-Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements. *The Journal of Finance*, Vol. 41, No. 5: 1089- 1102.
- Watson, L. 2015. Corporate Social Responsibility, Tax Avoidance and Earnings Performance, *The journal of the American Taxation Association*, Vol 37, issue 2: 1-21.
- Watts, R. 2003. Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Research Opportunities, *Financial Research and Policy*, No4: 03-25.
- Sidney, C, M, Leng, Grant R, Grantly, T. 2019. The effect of the general anti-avoidance rule on corporate tax avoidance in china. *Journal of contemporary accounting and economic*. 15: 105-117.
- Yukun Sun .2014. Corporate Tax Avoidance and Government Corruption: Evidence from Chinese Firms. 12: 120-150.
- Zimmerman, J. 1983. Taxes and firm size. *Journal of Accounting and Economics*. 5: 119 – 149.